

مفروضات - اقسام قدیم و حادث

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



اقسام قدیم و حادث - مفروضات - اثر حضرت عبدالہاء -

بر اساس نسخہ طبع سنہ ۱۹۰۸ م

سؤال

قدیم و حادث چند قسم است؟

جواب

بعضی از حکما و فلاسفہ برآند کہ قدیم بر دو قسم است قدیم ذاتی و قدیم زمانی حدوث ہم بر دو قسم است حدوث ذاتی و حدوث زمانی . قدیم ذاتی وجودی کہ مسبوق بعلت نہ حدوث ذاتی وجود مسبوق بعلت . قدیم زمانی لا اول است حدوث زمانی اول و آخر دارد . زیرا ہر شیئی از اشیا وجودش منوط بچهار علت است علت فاعلی و علت مادی و علت صوری و علت غائی . مثلاً این تخت صانعی دارد و آن نجار است مادہ ای دارد کہ چوب است و صورتی دارد کہ تخت است و علت غائی آن جلوس بر آنست پس این تخت حادث ذاتی است زیرا مسبوق بعلت است و وجودش مشروط بعلت اینرا حادث ذاتی و حادث حقیقی گویند . پس این عالم کون نسبت بصانع حادث حقیقی است و چون جسم مستمد از روح است و قائم بروح پس جسم بالنسبہ بروح حادث ذاتیست و روح مستغنی از جسم و بالنسبہ بجسم قدیم ذاتیست . ہر چند شعاع ہمیشہ ملازم آفتاب و لکن آفتاب قدیم و شعاع حادث زیرا وجود شعاع منوط بوجود آفتاب اما وجود آفتاب منوط بشعاع نہ آن فائض است و این فیض . و مسألہ ثانی آنکہ وجود و عدم ہر دو اضافیست اگر گفته شود کہ فلان شیء از عدم وجود



ORIGINAL



AUDIO

یافت مقصود عدم محض نیست یعنی حال قدیم بالنسبه بحال حاضر عدم بود چه که عدم محض وجود نیابد زیرا استعداد وجود ندارد انسان موجود است جماد نیز موجود . اما وجود جماد بالنسبه بوجود انسان عدم است زیرا جسم انسان چون معدوم گردد خاک و جماد شود و چون خاک بعالم انسان آید و آن جسم مرده زنده شود انسان موجود گردد هر چند خاک یعنی جماد در مقام خود وجود دارد اما بالنسبه بانسان عدم است مقصد هر دو موجود است لکن هستی خاک و جماد بالنسبه بانسان عدم و نیستی است زیرا چون انسان معدوم شود خاک گردد و جماد شود . پس عالم امکان هر چند موجود ولی بالنسبه بوجود حقّ معدوم و نابود انسان و خاک هر دو موجود لکن وجود جمادی کجا و وجود انسانی کجا آن بالنسبه باین عدم است همین طور وجود خلق نسبت بوجود حقّ عدم است . پس هر چند عالم کون هستی دارد ولی نسبت بحقّ عدم است . از این واضح و مشهود گشت که کائنات با وجود وجود بالنسبه بحقّ و کلمه الله معدومند اینست اولیّت و آخریّت کلمه الله که میفرماید منم الف و یا زیرا مبدأ فیض است و منتهی و همیشه حقّ خلق داشته و همیشه از شمس حقیقت شعاع لامع ساطع زیرا آفتاب بی نور ظلمت دیجور است و اسماء و صفات الهیه مقتضی وجود کائنات است و در فیض قدیم تعطیل جایز نه زیرا منافی کالات الهیه است .